

تجربه‌های نوسازی و بهسازی بافت‌های قدیمی در کرمانشاه

شهر کرمانشاه با جمعیت ۶۹۳۹۹۸ نفر در سال ۷۵، نهمین شهر بزرگ کشور بوده است. به موجب سرشماری این سال، جمعیت شهرستان کرمانشاه ۸۴۳۱۲۵ نفر و جمعیت استان ۱۷۷۸۵۹۶ نفر شمارش شده است. پیشینه تحولات کالبدی کرمانشاه بسیار پرافت و خیز بوده است. استقرار این شهر در آستانه منطقه بین‌النهرین، و عبور اصلی‌ترین شاخه راه ابریشم از میانه آن، دامنه تحولات و بحران‌های ۲۰۰ سال گذشته منطقه را به کرمانشاه کشانده است. در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، وجود امپراطوری مقتدر عثمانی و تهاجم‌های آنان، بارها کرمانشاه را دستخوش تاخت و تاز قرار داد. در جنگ جهانی اول، قوای ترک عثمانی مدتی کرمانشاه را به اشغال خود در آوردند. در جنگ جهانی دوم نیز، متفقین از مرز غربی وارد کشور شدند، و سرانجام، در جنگ تحمیلی با عراق، شش شهر این استان ویران و کرمانشاه بارها بمباران شد.

در گذشته نه چندان دور، و تا اواسط قرن بیستم، کرمانشاه مفصل بازرگانی ایران، عراق، سوریه و اردن به شمار می‌آمد و انگلیسی‌ها و بلژیکی‌ها گمرکات غرب ایران را برای کنترل بازرگانی شرق به غرب آسیا اداره می‌کردند. ولی حفر کانال سوئز به رونق بازرگانی رو به رشد ایران پایان داد. کرمانشاه در این دوره شهر تجاری بزرگ و نیرومندی به شمار می‌آمد. بازار جامع آن را راسته‌ها، تجارتخانه‌ها، و کاروانسراهای بزرگی تشکیل می‌داد و محلات اطراف بازار بسیار پررونق و ثروتمند بودند.

حکایت کرمانشاه شبیه داستان پل رودخانه درینا^(۱) است. این شهر آستانه و دروازه‌ای است که چند مرحله تاریخ بر روی آن ره سپرده است. اقوام و ملیتهایی از آن عبور کرده‌اند. گاهی آن را ویران، و زمانی آبادانش کرده‌اند. در زمان حکومت سلطان عبدالحمید و قتل و عام آرامنه، سیل ارمنی‌های مهاجر به کرمانشاه سرازیر شد. قبل از آنها نیز آسوریها و اقوام دیگر به این شهر آمده بودند.

قسمت اعظم بافت قدیم کرمانشاه در دوره صفویه، زندیه و قاجار، در اطراف بازار گسترش یافت و قدیمیترین نمادهای آن از دوره زندیه، و بیشترشان از دوره قاجاریه بر جای مانده است. اما، از اوایل قرن گذشته میلادی، جلوه‌های معماری ملی در معابر و بناهای جدید بروز کرد و شیوه خاص معماری کرمانشاه در بناهای مجاور خیابان اصلی شهر، مهمانخانه‌ها و بناهای بزرگ مسکونی، عمارت‌های عمومی و خدماتی، و میدان‌های شهر انعکاس یافت. در این بناها، در عین استفاده از

مهندس بیژن کلهرنیا[#]

#. مدیرعامل شرکت مهندس مشاور تدبیر شهر - کرمانشاه

مصالح و تزئینات مشابه، تنوع و هماهنگی نیز حاکم بود. روحیه معماری این دوره مثبت و بارز بود، گذشته و هویت خود را به خوبی تعریف می‌کرد، از شخصیت و استقلال برخوردار بود، حجم‌ها و فضاها زنده بودند، و جلوه و تصویر معماری آن پر جاذبه و جاندار بود؛ اما مانند موسیقی این دوره، غم غربت خاص خود را هم داشت.



عمر این دوره معماری کوتاه بود و فقط در نماهای خیابان اصلی شهر (مدرس کنونی) و تعدادی از بناهای خصوصی و دولتی، از جمله ساختمان شهرداری فعلی (کنسولگری قدیم انگلیس)، مهمانخانه بیستون، میدان شهرداری و استانداری، تجلی یافت. ولی عصاره آن در معماری مؤخر این دوره تا سالهای ۱۳۴۰ نفوذ و تسری یافت. عملکرد و کاربرد حجم‌ها و فرمها بیشتر تکوین یافت، معماری به سایر کاربریهای مسکونی و اداری و آموزشی و عمومی گسترش پیدا کرد. تلفیق آجر، چوب و شیروانی و استفاده بهینه از این مصالح، به ماندگاری معماری این دوره منجر شد. در این دوره، حجم‌ها و نماهای بیرونی بناهای بافت جنوب شهر کرمانشاه، پنجره‌ها و ایوان‌ها و شیروانی‌ها، هنوز زیبایی خود را حفظ کرده است. پس از سالهای ۱۳۴۰، تأثیر رویدادهایی که در سطح ایران پیش آمد، بر ساختار و بافت شهر کرمانشاه دگرگون‌کننده بود. تحولات این دوره، با اصلاحات ارضی شروع شد. از این زمان، آستانه جمعیتی روستاها شکست و موج مهاجرت به شهرها آغاز شد. در ۱۳۵۰ با افزایش جهانی قیمت نفت این بحران شدت گرفت. در دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵، عواملی چون جنگ تحمیلی، تشدید اختلاف امکانات بالقوه شهری و روستایی، واگذاری بی حد و حصر زمین، و ضعف مدیریت و کنترل شهری، دامنه مهاجرت به شهر را فراخ کرد. طبعاً بافت

متقدم شهر نسبت به بقیه بافت در برابر جریانهای اخیر، بیشتر آسیب پذیرفت. آنچه که از این پس اتفاق افتاد، زوال تدریجی حیات اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی بافت بود. متروک شدن و مرگ لکه‌هایی از بافت، رها شدن خانه‌های بزرگ قدیمی و پیدایش مناسبات و فرهنگ روستایی در دل بافت قدیمی، و انزوای باقی ماندگان سکنه قدیم، جلوه‌هایی از این زوال تدریجی به شمار می‌آیند. اکنون، تنها یک چهارم ساکنان قدیم و یا بازماندگان آنها در بافت مرکزی شهر سکونت دارند، و عامل ماندگاری این اقلیت نیز عسرت و فقر اقتصادی آنان برای گریز از مشکلات این بخش از شهر کرمانشاه بوده است.

نخستین دیدگاه‌های احیای بافتهای شهری کرمانشاه در ۱۳۴۶ در تحقیقی توسط دانشگاه دورهام مطرح شد^(۲). در این تحقیق، که مدارک آن موجود است، ضمن بررسی جامع مسائل شهری، به این نتیجه رسیدند که بافت متقدم شهر در آستانه سقوط است، و بر ضرورت یافتن راه‌حلهایی برای جلوگیری از فروپاشی آن تأکید شده است. اما دیدگاه و خواست مسئولان وقت توجه به این موضوع نبوده است. جاذبه‌های نوسازی و سلطه سوداگرهای زمین، و بی‌تدبیری و بی‌کفایتی مدیران و فقدان دیدگاه‌های علمی، مانع حرکت برنامه‌های احیای بافت مرکزی کرمانشاه در گذشته بوده است. در اینجا باید به نکته مهمی اشاره شود. در معماری متقدم و میانی کرمانشاه، عنصر سازنده ارزشهای ماندگار بافت را معمارانی تشکیل می‌دادند که تجارب گذشته را به دقت حفظ و حراست کرده و تکنیکهای جدید سرزمین‌های دیگر را نیز جذب کرده و با معماری بومی خود درآمیخته بودند. این قشر فرهیخته، ارزشهای حرفه‌ای و آیینی را پاس می‌داشتند. در پایان دوره معماری میانی، به محض اوج‌گیری مدیریت دولتی، و پای نهادن مهندسی جدید و مدیریت شهری به عرصه، و دخالت قوانین جدید نوسازی هویت اصیل هنر معماری گذشته را زایل کرد، و معماران قدیم جایگاه خود را از دست دادند.

از دهه ۱۳۴۰ به بعد، آنچه به جای شهرسازی و معماری زنده گذشته نشست، نوسازیهای کلان مقیاس بود. توسعه یکباره شهری و شهرک‌سازیها، ساخت مجموعه‌های مستقل و گسترده در اطراف شهر، و احداث خیابانهای جدید، بر بافت شهر چیرگی یافت. خیابان‌های مصطفی امامی (جوانشیر)، مطهری (سیروس) و بسیاری از معابر دیگر، مسیرهای مستقیمی‌اند که در این دوره، به موازات خیابان اصلی و قدیمی مدرس و یا عمود بر آن اجراء شدند. وخیمترین تجربه، عبارت بود از احداث خیابان جوانشیر که بازار غربی را دو نیمه کرد و ده متر تراشه و دو دیواره تخریب شده در بافت

در مقررات شهرسازی ایران، کمترین حجم مصوبات به احیاء و مرمت و نوسازی بافت ارتباط پیدا می‌کند. مسائل حقوقی، و بویژه حقوق مالکیت در این بخش از شهر، از مشکلات بیشتری برخوردار است.

شبکه و ساختار بافت، و بهره‌برداری تجاری از معابر اصلی گرایش داشتند؛

◆ مسؤلان وزارت مسکن و شهرسازی و مدیران استانی آن به مطالعه و تهیه طرح‌های نوسازی و بهسازی بافت نظر داشتند، و هدف اصلی از تهیه این طرح‌ها را جبران کمبودها، زیربناها، و استفاده مجدد از قابلیت‌ها و امکانات بافت برای تأمین مسکن عمومی می‌دانستند. ولی در جزئیات و چگونگی مطالعه و اجرا، دیدگاه‌ها و آرای گوناگونی ارائه می‌شد؛

◆ شهرداری، به طور کلی طرفدار نوسازی بافت و شبکه‌ها و توسعه تجاری در این حوزه‌ها بود. حاصل تلقی دستگاه‌های مختلف هر چه بود، به این نتیجه کلی و سودمند رسید که برای تعیین تکلیف بافت و احیاء، مرمت، بهسازی و نوسازی آن مطالعات لازم انجام شود. اما، آنچه که در عمل اتفاق افتاد، با تصمیم صحیح اولیه بسیار متفاوت بود و به جای تهیه یک طرح فراگیر که همه مسائل بافت مرکزی کرمانشاه را در پهنه ۶۰۰ هکتاری آن مطالعه کند، چهار طرح متفاوت با هدف‌های جداگانه به این شرح آغاز شد:

۱. ساماندهی خیابان مدرس؛

۲. تهیه طرح تفصیلی بافت قدیم، به مساحت ۲۸۵ هکتار

و طرح بهسازی و نوسازی محله فیض آباد؛

۳. تهیه طرح بخشی از بافت مسأله‌دار کرمانشاه در

مساحت ۱۵ هکتار؛

۴. طرح ساماندهی بازار کرمانشاه تا مرحله تهیه طرح

مقدماتی مرمت و بازسازی آن. از آنجا که هر یک از این

طرح‌ها راه‌حل‌های متفاوتی برای مداخله در بافت ارائه کردند،

تحلیل مختصر هر یک از آنها ضروری به نظر می‌رسد.

۱. طرح بهسازی بافت مسأله دار کرمانشاه

هدف این طرح آن است که در بخشی از محله آبشوران، با ارائه الگویی برای مرمت بافت و واحدهای مسکونی، زمینه اقدامات خود انگیخته مردم و عملیات احیاء، توسط آنان، در سایر نقاط بافت فراهم آید.

تعدادی از واحدهای مسکونی موجود و اراضی خالی داخل بافت، در این طرح برای تأمین خدمات مورد نیاز بافت در نظر گرفته شده‌اند. عملکرد عمومی خدمات یاد شده "فرهنگی - تفریحی" تعریف شده است. حوزه انتخاب شده در

مرکزی شهر ایجاد کرد. این خیابان تمام ارتباط و پیوند بافت غرب بازار با مرکز شهر را قطع کرد.

آخرین رویدادی که بر وخامت وضع و مصیبت‌های بافت‌های شهری کرمانشاه افزود، وقوع جنگ تحمیلی بود. طی هشت سال جنگ، کرمانشاه بارها بمباران شد و موشک‌های فراوانی بر نقاط مختلف آن اصابت کرد. بیشتر آسیب‌ها بر بافت مرکزی شهر وارد آمد. هرچند که بناهای آسیب دیده مرمت شدند، ولی جنگ در تشدید کوچ سکنه از این بخش به بیرون آن، عامل تعیین‌کننده‌ای به حساب آمد.

نخستین تاملات و دیدگاه‌های جدید پیرامون بهسازی، و احیاء، و روان‌بخشی بافت مرکزی کرمانشاه، در طرح جامع شهر طی سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۶۳ بروز پیدا کرد. در این طرح، تأمین دسترسی و سازماندهی مراکز محله‌ای برای تمامی بافت مرکزی و حاشیه‌ای پیش‌بینی، و شبکه‌های دسترسی آنها نیز ترسیم شد. هرچند که تعمیم این دیدگاه می‌توانست راه‌گشای تحقق احیاء بافت مرکزی شود، ولی همزمانی این مطالعات با وقوع جنگ، و جریانهای واگذاری زمین شهری، از توجه به بهسازی بافت‌های قدیمی ممانعت کرد. پس از این مرحله، عوامل توجه به مسائل بافت مرکزی کرمانشاه را می‌توان به این قرار بیان کرد.

◆ ناکام ماندن جریان شتابان واگذاری زمین و عدم امکان ادامه این روند در تأمین مسکن عمومی؛

◆ ضرورت تأمین مسکن عمومی و یافتن راه‌های جدیدی برای حل این معضل؛

◆ توجه به قابلیت و ظرفیت بافت قدیمی برای تأمین مسکن عمومی؛

◆ تشدید ناهنجاریهای اجتماعی در بافت‌های قدیمی و فشار این جریانات بر مسؤلین؛

◆ به طور کلی، کاهش بحران شهرسازی باقیمانده از دوران رشد شتابان جمعیت و توسعه شهری در دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵، و آگاهی یافتن مسؤلان بر اهمیت و ضرورت استفاده از تجارب و دیدگاه‌های متخصصان در برخورد با مسائل شهرسازی.

ماهیت جریانه‌های اخیر منجر به ارائه پیشنهاد‌های متفاوتی برای بهسازی و مرمت بافت قدیمی کرمانشاه شد:

◆ مسؤلان محلی به تعیین تکلیف همه بافت قدیم معتقد بودند، ولی بیشتر آنها به نوسازی و تغییر گسترده در

قلب بافت قدیم شهر قرار دارد و از غرب به خیابان مدرس، و از شرق به آبشوران و تکیه معاون محدود می‌شود. راهبردهای پیشنهادی طرح از این قرارند:

♦ بازسازی و مرمت بخش‌های فرسوده و احیای نماها و بدنه‌ها، فرش کف و آب‌روها و جایگزین کردن ساختمان‌های هماهنگ با بافت به جای ساختمانهای ناهمگون.

♦ شناخت الگوهای موجود مسکن در بافت و پیشنهاد الگوهای تکمیلی و جایگزین؛

♦ انتخاب ابعاد متناسب مساحت واحد مسکونی و ساختمان مسکونی و تجمیع قطعات مسکونی کوچک؛

♦ اصلاح نماهای مجاور خیابان‌ها و معابر اصلی برای رسیدن به کلیات هماهنگ؛

♦ اصلاح مسیر آبشوران و بهره‌برداری از قابلیت ارتباطی و تفریحی و شهری آن.

۲. طرح ساماندهی خیابان مدرس

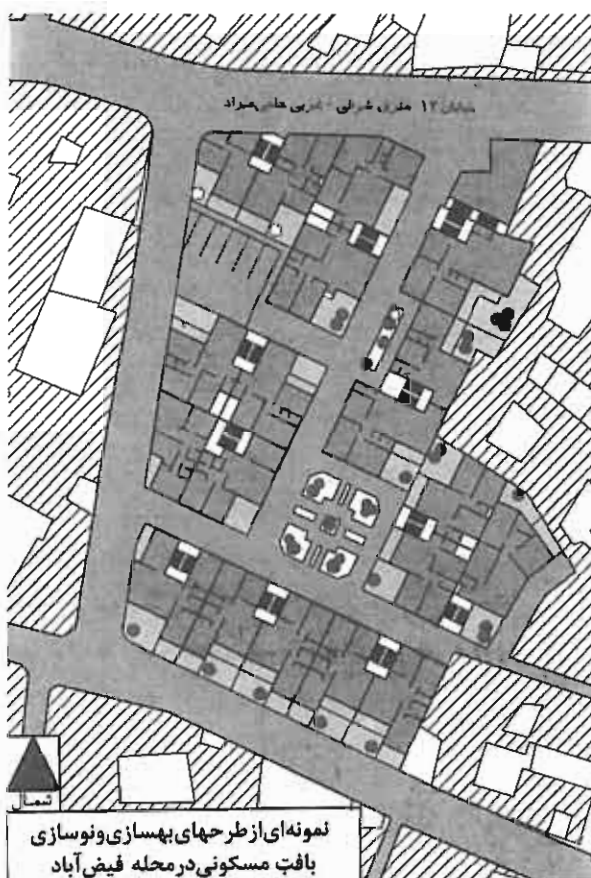
خیابان مدرس اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین محور شمالی - جنوبی شهر کرمانشاه به شمار می‌آید. هر چند که راسته‌های بازار کرمانشاه را قطع کرده است، ولی نماسازیهای آن متشکل از عناصر معماری ملی است و قسمتی از ارزش‌های بافت قدیم کرمانشاه به حساب می‌آید. عرض این خیابان ۲۰ متر است و بحث تعریض یا عدم تعریض آن قدمتی ۴۰ ساله دارد. مطالعات این طرح از سال ۷۲ آغاز شد و ابتدا به این نتیجه رسید که تعریض این محور ضرورت ندارد، بلکه باید نماهای خیابان و کاربری‌های مناسب استقرار در این محور و ارتباطها و پارکینگ‌های جانبی طراحی شوند.

با همه اینها، در ادامه مطالعات، هم مشاور طرح و هم مسئولان استان مصمم شدند که این خیابان را بدون تغییر در بستر سواره رو آن تا پهنای ۴۰ متر تعریض کنند و اضافه‌عرض ایجاد شده به تردد پیاده و ایجاد فضاهای شهری اختصاص یابد. ضمناً، در قسمت بازار و آثار نمادین مرکز شهر تعریض صورت نگیرد. مجری طرح نیز انتخاب شد، و هم اکنون طرح تهیه شده در قالب توافق با مالکان به طور پراکنده در دست اجراست. متأسفانه، ارزش‌های معماری و شهرسازی در ساختمانهایی که بعداً در خیابان مدرس اجرا کردند، نادیده گرفته شد و نوسازی‌های بدون هویت شهری بر روند اجرای طرح چیرگی یافت.

۳. طرح ساماندهی بازار کرمانشاه

در این طرح، ضمن نقادی روش‌های صرفاً کالبدی احیاء و مرمت بازارها، تلاش شده برخوردی پدیدار شناسانه با بازار

کرمانشاه و فعالیت‌های آن و مشکلات و نارسایی‌های مبتلابه به عمل آید. هدف طرح، بازتوانی کالبدی و اقتصادی بازار تعریف شده و ضمن شناخت فعالیت‌ها، به سوی تعیین حوزه‌های مرمت، بازسازی، و نوسازی، و نیز معرفی طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط جهت گرفته است. در کنار ارائه پروژه‌ها در طرح ساماندهی بازار، به ضرورت ارائه ضوابط عملیاتی، ترکیب مدیریت طرح و چگونگی نظارت و هدایت پروژه نیز توجه شده است. مشاور طرح، هدف اصلی طراحی بازار را ارائه تصویر نهایی کارشناسی از بازار کرمانشاه (آنچه که باید باشد) بر مبنای آنچه که تا بحال بوده، و ارائه روش‌های خاص برای رسیدن به هدف طرح تعریف کرده است. از مباحث ارزنده این طرح، آسیب‌شناسی کالبدی بازار و حوزه‌بندی آن، و پیشنهادهای کارشناسی برای حل مشکلات کالبدی بازار، تقویت دسترسی‌های جانبی و پیاده و ایجاد دگرگونی‌های تدریجی در آن است. در این طرح، حدود مداخله‌ها و حوزه‌های نیازمند مرمت و الگوهای پیشنهادی مرمت و ساماندهی مطرح شده است. تأکید طرح ساماندهی بازار بر مشارکت دادن مردم و بازاریان در تمامی مراحل طراحی تا اجرا، انجام اقدامات زنجیره‌ای و پیوسته برای احیای بازار، ایجاد ستاد مدیریت بازار و تشکیل صندوق عمران بازار بوده است.



نمونه‌ای از طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت مسکونی در محله فیض‌آباد

۴. طرح بهسازی و نوسازی مرکز شهر کرمانشاه (محلّه فیض آباد)

در اوایل سال ۷۶، مطالعات این طرح آغاز شد و پس از تغییراتی با نظارت دفتر بهسازی و نوسازی شهری ادامه یافت. محلّه فیض آباد کرمانشاه در شمال بافت قدیم شهر واقع است و از غرب به خیابان مدرس، از شرق به خیابان جلیلی، از جنوب به نواب و از شمال به خیابان سیلو محدود می‌شود؛ این محلّه ۳۳ هکتار مساحت دارد که در حدود ۱۱ درصد مساحت مرکز شهر محسوب می‌شود.

مشاور تهیه‌کننده طرح اهداف آن را معاصر سازی بافت در عین حفظ پیوند با گذشته، احیای نقش تاریخی آن در شهر، ارتقای کیفی زندگی و گسترش حیات مدنی بافت قدیم، استفاده بهینه از ظرفیت توسعه شهری، اصلاح ساختار فرهنگی - اجتماعی، و تأمین امکانات پاسخگویی به نیازهای زندگی شهری ساکنان بافت تعریف کرده است. سپس، در بخشی از محلّه فیض آباد در فاصله میدان جلیلی در شرق تا خیابان مدرس در غرب، طرح نوسازی و بهسازی بافت تهیه شده است. مطالعات از شناخت حدود مالکیت و تعیین کاربری اراضی املاک تملک شده توسط مجری طرح (شرکت مسکن‌سازان) آغاز، و اولویت‌های اجرای آن تعیین شده است. پشتوانه طرح بهسازی و نوسازی محلّه فیض آباد، طرح تفصیلی مرکز شهر است که در مساحت ۲۸۳ هکتار توسط مشاور تهیه شده است. در طرح بهسازی و نوسازی فیض آباد، چنین پیش‌بینی شده که در پی مداخلات بخش دولتی و سازمان مجری طرح که مأموریت تأمین فضاهای عمومی و خدماتی را برعهده دارد، بخش خصوصی اقدام به سرمایه‌گذاری با هدف سودآوری می‌کند. مداخله در بافت محلّه فیض آباد با احداث طرح‌های شهری، اصلاح گذر بندی و تغییر کاربری بافت برای تأمین نیازهای آن انجام می‌شود. فرایند مطالعات به دو گونه طراحی بهسازی منجر شده است. در گونه یکم، ارتباطات محلّه درونی است و برگذره‌های اصلی موجود محلّه تأکید می‌شود و کاربری‌های پیشنهادی در کنار گذرهای اصلی استقرار یافته‌اند. این طرح به راه‌حل‌های بهسازی بافت نزدیکتر است. در گونه دوم، ارتباطات فرامحلّه‌ای تقویت شده است و اساس طرح را محور پیاده‌تجهیز شده یا راسته بازاری تشکیل می‌دهد، که پیوند مستقیم دو محور مدرس و جلیلی و ارتباط بصری بین این دو محور را برقرار می‌کند، و تمام بافت دو طرف آن مشمول نوسازی و بهسازی شده است.



◆ طرح بهسازی بافت قدیم کرمانشاه

در پی توقف مطالعات دو طرح بهسازی بافت مسأله‌دار و طرح بهسازی و نوسازی مرکز شهر کرمانشاه، دفتر بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری اخیراً به تهیه طرح بهسازی و احیای بافت قدیم کرمانشاه اقدام کرد. در این طرح، براساس تشخیص مراکز محله‌ای و ایجاد تقسیمات صحیح در بافت، و انتخاب مسیرهای دسترسی سواره و ارتباطات صرفاً پیاده‌رو، مجموعه ضوابطی از سوی دفتر بهسازی تدوین شده که در آنها ضمن تعریف حوزه‌ها و شبکه‌ها و مراکز، ضوابط احداث بنا، کاربرد مصالح، تجمیع و تفکیک زمین و تراکم‌ها تعریف و برای نظرخواهی در اختیار مراجع استان قرار داده شده است. با بررسی تطبیقی چهار طرح تهیه شده برای احیاء، مرمت و بهسازی بافت قدیمی کرمانشاه به نکات بسیار ارزنده‌ای پی می‌بریم:

۱. هرچند هرچهار طرح در زمینه و موضوع واحدی تهیه شده‌اند، اما هریک از آنها هدف جداگانه‌ای را جستجو می‌کند. البته نباید انتظار داشت که اهداف این مطالعات دقیقاً یکسان باشد، ولی هدف‌های اصلی این طرح‌ها، به هر حال، احیاء و مرمت بافت قدیم شهر کرمانشاه بوده است.

۲. رهیافت سیستمی در هریک از این طرح‌ها متفاوت، و بر پایه دیدگاه‌ها و تجارب هریک از مشاوران استوار است. شاید وجه مشترک این مطالعات را بتوان نگرش و برخورد "معمارانه" در احیاء و مرمت و نوسازی بافت تعریف کرد. سرانجام، علائق و تجارب کارشناسانه جایگزین پاسخ‌هایی می‌شود که این مطالعات باید بدهند.

۳. در همه این طرح‌ها به جای نگرش کلان و فراگیر به موضوع، سعی شده است که هرچه زودتر روی موضوعی خاص متمرکز شوند و به طراحی معماری برسند. از این رو، فرایند مطالعات از دیدگاه‌های کلی و تاریخی و اجتماعی یکباره به نگرشی صرفاً معماری ختم می‌شود و چند مرحله از مطالعه، که می‌تواند تهیه طرح موضوعی، طراحی شهری، تهیه طرح اجرایی، طراحی سیمای شهری و محیطی، بافت‌شناسی شهری، و شناخت فضاها و شهری باشد، نادیده گرفته می‌شود.

۴. هیچ یک از این مطالعات بر شناخت زیر ساخت‌های شهری که اساس همه طرح‌های احیاء و مرمت است، ژرف‌نگری نمی‌کند.

۵. مسائل و معضلات زیست‌محیطی شهری که از مشکلات مبتلا به بافت‌های قدیمی است، در طرح‌های مورد بحث نادیده انگاشته شده است.

۶. تحلیل جامعی از اوضاع و احوال سکنه، و جایگاه



اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان، و حتی وضعیت کالبدی موجود بافت در این مطالعات به دست داده نشده است.

۷. در هر چهار طرح، به مشارکت مردم در فرایند احیاء و نوسازی اشاره شده است؛ ولی شیوه مشارکت آنان با توجه به امکانات سکنه بافت بررسی نشده است.

۸. مسئله اسکان موقت، ایجاد فضای سکونت و فعالیت موقت در خلال دوران اجرای طرح، و مسئله بازگشت سکنه بافت و یا کارکنان واحدهای اجرایی طرح، نادیده گرفته شده است.

۹. درباره مجری طرح، تشکیلات لازم، بودجه و منابع مالی و گردش سرمایه اجرای طرح، و مهم تر از همه، قوانین و مقررات موجود که آیا راه گشای طرح اند یا خیر، بحثی به میان نیامده است.

۱۰. چگونگی تعمیم طرح به بقیه بافت بررسی نشده و صرفاً فرض شده است که این نگرشها به بافت تسری خواهند یافت.

۱۱. ضوابط و مقررات لازم برای اجرای طرح، یا تدوین نشده و یا این که از عمق و جامعیت لازم برخوردار نبوده است. با همه این احوال، باید اذعان کرد که هر یک از این طرحها، دیدگاههای بدیعی از معماری و شهرسازی و طراحی بافت را پیش کشیده است. شاید عمده ترین مشکل فراروی تمام طرحهای احیای بافت در کرمانشاه را بتوان عدم توجه کافی به نظرها، نیازها و مشکلات سکنه بافت دانست. نخستین عامل اساسی در توفیق طرحهای نوسازی و احیای بافت، عبارت است از توافق، همکاری و پذیرش قاطع سکنه و مشارکت مستقیم آنان در مطالعات و تهیه طرح، اجرا، بهره برداری، مدیریت و نگهداری بافت و همه عناصر تشکیل دهنده آن. نظرهای یک سوبه کارشناسی، غالباً با عدم مشارکت مردم روبرو می شود.

عامل دوم از این قرار است که مخاطب این طرحها نباید صرفاً دولت، مجریان و مدیران بخش عمومی (دولتی) باشند. طرحهای احیاء و مرمت بافت، بیش از آن که دولتی باشند مردمی و اجتماعی اند، و تحقق آنها در کنار یک مجری نیرومند، نیاز به بازوهای مدیریت اجتماعی برای جلب همکاریهای مردمی دارد. اکنون که شورای شهرها به راه افتاده و تشکیل شوراهای محله‌ای نیز در دستور کار قرار دارد، فرصت مناسبی است که در تدوین و اصلاح قوانین این تشکیلات نقش و حضور آنان در جریان نوسازی و بهسازی بافت‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. به هرحال، سنت‌های مدیریت شهری در ایران، همواره با عنوانهایی چون شورای محلی و هیأت معتمدین قرین بوده است. چگونگی کسب

نظر مردم، ترغیب آنان به مداخله و حضور در جریان تهیه و اجرای طرحها، و مقوله مددکاریهای اجتماعی نیازمند کار و تحقیق زیادی است و جا دارد که در قالب مقررات، تصمیمات و دستورالعملهای بهسازی بافت، جایگاه چنین نهادهایی نیز در نظر گرفته شود.

عامل سوم عبارت است از موضوعیت داشتن همه بافت قدیم، و نه فقط بخشی از آن. تمامی بافت، همه ساکنان، کل فضاها، و جمله مشکلات باید موضوع مطالعه قرار گیرند. پیشنهاد احیاء و مرمت نسبی همه بافت نسبت به اجرای یک طرح بهسازی در گوشه‌ای از آن، اهمیت به مراتب بیشتری دارد. البته، ایجاد طرح‌های الگویی راهنما از جایگاه و اهمیت خاص خود برخوردار است، ولی در بقیه بافت، باید زمینه تحقق و اجرای طرحها را در چارچوب مطالعات فراگیر فراهم کرد.

عامل چهارم، ضرورت فراهم آوردن قوانین کافی و لازم برای اجرای طرح‌های نوسازی و مرمت بافت است. در مقررات شهرسازی ایران، کمترین حجم مصوبات به احیاء و مرمت و نوسازی بافت ارتباط پیدا می کند. مسائل حقوقی، و یویژه حقوق مالکیت در این بخش از شهر، از مشکلات بیشتری برخوردار است. اجرای موفق طرح‌های مرمت، به مقررات خاص خود برای تملک، رعایت حقوق شهروندان، ضرورت پیشنهادها، طرح برای سایر دستگاه‌های اجرایی، تعیین سهم و نقش دستگاه‌های اجرایی و شهرداریها و نقش بانک‌ها نیاز دارد. حتی در قوانین بودجه و ملحقات آن نیز می توان به طور کلی توجه به ضرورت بهسازی بافت‌های شهری را مطرح کرد.

عامل پنجم عبارت است از انتخاب مجری خاص این طرحها. یکی از مشکلات فراروی طرحهای مرمت، بافت آن است که وظایف دستگاه‌های مختلف دولتی در قبال آن تعریف نشده است. جا دارد که برای هر یک از دستگاههای مرتبط، مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، میراث فرهنگی، استانداری و سایرین، نقش و وظیفه مشخصشان در قبال مسائل بافت‌های شهری تعریف شود. قطعاً مسئولیت توسعه و عمران بافت‌های مرکزی شهرها به تقسیم کار و هماهنگی‌های مدیریتی و اجرایی بین همه نهادهای مرتبط نیاز دارد. در بسیاری کشورها، چنین وظیفه‌ای بر دوش تشکیلاتی متناظر با شورای نظارت بر توسعه و عمران بافتهای شهری است، و برای انتخاب و سازماندهی مجریان خاص دارای اختیارات ویژه‌ای است. نشان دادن و معرفی الگو یا مدل واره (پارادایم) موفق از سازمان یا مجری مشخص طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری، نیازمند کار، تحقیق و

بافت متقدم شهر نسبت به بقیه بافت در برابر جریانهای اخیر، بیشتر آسیب پذیرفت. آنچه که از این پس اتفاق افتاد، زوال تدریجی حیات اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی بافت بود. متروک شدن و مرگ لکه‌هایی از بافت، رها شدن خانه‌های بزرگ قدیمی و پیدایش مناسبات و فرهنگ روستایی در دل بافت قدیمی، و انزوای باقی ماندگان سکنه قدیم، جلوه‌هایی از این زوال تدریجی به شمار می‌آیند. اکنون، تنها یک چهارم ساکنان قدیم و یا بازماندگان آنها در بافت مرکزی شهر سکونت دارند، و عامل ماندگاری این اقلیت نیز عسرت و فقر اقتصادی آنان برای گریز از مشکلات این بخش از شهر کرمانشاه بوده است.

نقش دولت و زارتخانه‌هایی مانند مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو، بانک‌ها، شهرداریها، بهزیستی، شوراهای محلی و ...، مستلزم کار و تحقیق بسیار است، و برای این هدف باید تشکیلات مناسب اجرایی چنین طرح‌هایی را برنامه‌ریزی کرد. عامل ششم، عبارت است از این که تهیه طرح‌های احیای بافت، بخصوص در شهرهایی مانند کرمانشاه که بافتهای قدیمی و مرکزی آنها مشکلات خاص و روزافزون دارند، باید از جامعیت لازم برخوردار باشد، و تمام جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، هدایتی، اقتصادی، کالبدی، زیربنایی و مدیریتی در این طرح‌ها به طور کامل بررسی و مطالعه شود. هر یک از این مراحل مطالعاتی در چارچوب خاص خود، اولاً باید به برنامه‌ریزی و پیشنهاد ارتقای کمی و کیفی در حوزه تخصصی خود انجامد، و ضمناً نتایج ثانوی مرتبط با چگونگی اجرا و توسعه و عمران بافت نیز از آن بهره‌مند شود. بعضی از این مطالعات، مانند بررسی اقتصاد بافت، چندان مهم‌اند که می‌توانند نتایج بخش‌های کالبدی را کاملاً دگرگون کنند. باید اذعان کرد که مطالعات احیای مرمت بافت‌های قدیم کرمانشاه فاقد این بخش‌های اساسی‌اند و محتوای فیزیکی و کالبدی آنها بر سایر بخش‌های دیگر تسلط و ارجحیت دارد.

عامل هفتم عبارت است از مَرَجِح بودن نوسازی در بسیاری از نقاط بافت‌های قدیمی. بسیاری از نقاط دور از دسترس بافت‌های مرکزی، متروک مانده و مخروبه شده‌اند، به طوری که در چارچوب طرح‌های مرمت نمی‌توان آنها را زنده کرد. بسیاری از منتقدان طرح‌های بافت‌های قدیم شهری معتقدند که گرایش مطلق به مرمت شهری در سطح تمامی بافت‌های گسترده مراکز شهرهای بزرگ، فاقد وجاهت شهرسازی است.

عامل هشتم، استفاده همه جانبه از بافت‌های شهری است. به بیان دقیقتر، تمامی بهره‌وریهای ممکن از بافت‌های مرکزی باید مورد توجه قرار گیرند، به نحوی که بتوان جامع‌ترین ترکیب استفاده از کالبد و فضا را فراهم آورد. از این دیدگاه، توجه صرف به کاربردهای مسکونی و یا تهیه

ارزیابی شیوه اجرای کار آنها و نتایج به دست آمده است. تجربه‌هایی که در ایران به دست آمده، نشانگر موفقیت "مجریان خاص" بخش دولتی است. طرح بازسازی ناصرخسرو در تهران در دهه ۱۳۶۰، و گودهای جنوب تهران توسط شهرداری تهران در همین دهه، که به هر حال به نتیجه رسید، نمونه‌هایی از این طرح‌ها به شمار می‌آیند. اما، نزدیک‌ترین تجربه‌هایی که در ایران وجود دارد، مربوط به بازسازی شهرهای آسیب دیده از زلزله رودبار، و قبل از آن شهرهای آسیب دیده از جنگ تحمیلی است. این تجربه‌ها نیز جنبه نوسازی دارند، و ابعاد بهسازی، احیاء و مرمت در آنها چندان مشاهده نمی‌شود. در این طرح‌ها نیز، فشار جریانهای اجرایی، تأمین سریع نیازها و ضرورت‌ها، و مهم‌تر از همه، وجود بودجه‌های دولتی و عمومی برای اجرای طرح مجالی برای حضور و دخالت‌های مردمی در جریان برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا باقی نمی‌گذارد. ولی تجربه‌های طرح بهسازی و نوسازی بافت محله فیض‌آباد کرمانشاه، که شرکت مسکن‌سازان کارگزار آن می‌باشد، قابل توجه بوده است. این شرکت، به هر حال توانسته است در مورد تملک بخش‌هایی از بافت محله، اجرای شبکه معابر اصلی، تدارک زمین برای واگذاری به سایر دستگاههای دولتی برای احداث ورزشگاه و درمانگاه، دعوت بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در اجرای طرح‌های مسکن، و نیز اجرای طرح‌های موسوم به باززنده‌سازی و حتی خرید و مرمت بناهای واجد ارزش معماری، به موفقیت دست یابد.

چنین تجربه‌هایی نشان می‌دهد که فعلاً تشکیل مؤسساتی با برنامه‌ریزی و نظارت بخش دولتی (وزارت مسکن و شهرسازی) و همکاری شهرداریها و شوراهای شهر، ولی با اختیارات مالی و قانونی آزادتری برای اجرای طرح‌ها، می‌تواند به نتایج مناسبی دست یابد. ولی برای مسئله حضور مردم در فرایند اجرا باید چاره‌اندیشی کرد. تشکیل و حضور شوراهای محلی در کنار این مجریان را نیز نباید از نظر دور داشت.

تشکیل سازمان مجری طرح‌های بهسازی و نوسازی،

طرح‌های بهسازی برای قسمت‌های واجد قابلیت تجاری، به زیان سایر عملکردها و استفاده‌های ممکن از بافت تمام می‌شود.

عامل نهم، ضرورت و اهمیت فراهم آوردن امکان اسکان موقت، همزمان با اجرای طرح‌های بهسازی بافت است تا از انتقال سکنه به بیرون، و تغییرات گسترده اجتماعی و نامتوازن شدن وضع اقتصادی و جمعیتی آن جلوگیری شود.

عامل دهم، هدفمندی طرح‌های احیاء، نوسازی و بهسازی است. اهداف این طرح‌ها باید بسیار جامع و فراگیر باشند، و کلاً باززنده‌سازی و احیای تمام ساختارهای طرح، و نه فقط احیای معماری آن را دربرگیرند. حتی رسیدن به طرح‌های اسکان بهینه در این حوزه‌ها نیز نمی‌تواند هدف عام تلقی شود.

اصلاح وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و معیشتی ساکنان بافت، بر ساختار کالبدی، متقدم است. در بهسازیهای محیطی نیز اولویت با شبکه‌های زیربنایی است. همین نکات بر ضرورت جامع‌نگری در مسائل بافت قدیم کرمانشاه و تهیه طرح‌های فراگیر برای همه این حوزه دلالت دارد. حاصل این مطالعات، تدریجاً به دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی همه بافت، به صورتی پیوسته و برای همه بخش‌های آن، منجر می‌شود.

در چارچوب عوامل دهگانه برشمرده در بالا، به پاره‌ای ضرورت‌های جامع در برخورد با مسائل بافت‌های شهری به اختصار اشاره گردید. ولی یک عامل اساسی باقی ماند. هنوز پشتوانه تحقیقاتی کافی برای اقدامات گسترده در بافت‌های شهری فراهم نیامده است.

تجربه مشاوران، پشتوانه‌های قانونی، تجربه‌های مدیریتی، و دیدگاه‌های کارشناسان، به منابع و مطالعات گسترده و فراگیری متکی نیست. نوشتگان مربوط به شهرسازی در این بخش، بخصوص، تجارب جهانی را منتقل نکرده و تجارب داخلی نیز نه تنها مدون نشده، بلکه بسیار معدود و غیرقابل استناد است و میزان موفقیت آنها باید ارزیابی شود. از این رو، جا دارد در همین آغاز، تجارب ایرانی احیاء، مرمت، نوسازی و بهسازی شهری گردآوری، و مطالعات، تحقیقات و ارزیابی نتایج طرح‌ها و مطالعات داخل و خارجی مورد توجه قرار گیرد. ارکان و اهداف این فرایند که راهبردها و سیاست‌های خاص آن، و سپس سازمان مجری، پشتوانه‌های قانونی و حقوقی، مبانی مالی و سرمایه‌ای، نقش مردمی در ابعاد مختلف، شیوه نظارت و مداخله دولت و مجامع رسمی، کلاً به تحقق و سازماندهی نیاز دارد. از این رو، جا دارد همزمان با تجدیدنظرهایی که در

وظایف سازمانهای مسئول در بخش دولتی، از جمله مراجع تحقیقاتی، به عمل می‌آید، در مضامین یاد شده در بالا، امر تحقیق در جایگاه مناسب خود مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آندریچ، ایو، پلی بر رودخانه درینا، ترجمه رضابراهنی، ج ۱، تهران، سازمان کتابهای جیبی، ۱۳۴۷.
- 2- *Kermanshah, an Iranian Provincial City*, University of Durham, 1956

منابع:

۱. وینر، مایرون، نوسازی جامعه، ترجمه مقدم مراغه‌ای، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳.
۲. مهندسان مشاور طرح و آمایش، گزارش‌های طرح ساماندهی خیابان مدرس در کرمانشاه، ۱۳۷۷.
۳. مهندسان مشاور عرصه، گزارش‌های طرح ساماندهی بازار کرمانشاه، ۱۳۷۷.
۴. مهندسان مشاور عرصه، گزارش‌های طرح بهسازی بافت مسأله‌دار کرمانشاه، ۱۳۷۷.
۵. مهندسان مشاور طرح و آمایش، طرح بهسازی و نوسازی مرکز شهر کرمانشاه (فیض‌آباد)، ۱۳۷۶.
۶. وزارت مسکن و شهرسازی، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت‌های شهری، ۱۳۷۶.

7. George Chadwick Pergamon Press, *A systems view of planning*, 1974.

8. J.M. Simmie Hutchinson Educational Ltd, *Citizens in conflict*, 1974.

9. J.M. Simmie. Hutchinson Educational Ltd, *the Dynamics of Urbanism*, 1974.

10. John Wiley & Sons. Inc. *Urban Renaissance*, 1979.

۱۱. استانداری کرمانشاه، طرح جامع بازسازی قصر شیرین، ۱۳۷۰.

۱۲. استانداری کرمانشاه، طرح هادی بازسازی شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب، ۱۳۷۱.